

شهید ابراهیم سالمی



نام پدر	غریب
تاریخ تولد	۱۳۳۴/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۳/۰۲
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	مکانیک
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	بوشهر

زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگینامه شهید ابراهیم سالمی

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
رو به صفتان زشتخو را نکشند

گر عاشق صادقی زمردن مهراس
مردار بود هر آنکه او را نکشند

شهید ابراهیم سالمی به سال ۱۳۳۴ در امامزاده در یک خانواده مستضعف و تهیدست پا به عرصه وجود نهاد. و از آنجا که جو مذهبی بر خانواده حاکم بود تحت تربیت مذهبی خانواده حاکم بود تحت تربیت مذهبی خانواده قرار گرفت. وی بعزت عدم استطاعت مالی و با فقر فرهنگی حاکم وجود خفقان بر جامعه و یا به دلایل دیگر تا کلاس چهارم دبستان بیشتر نخواند. برادر شهید مان از نظر انجام فرائض شرعی کامل بود (نماز و روزه و غیره) وی در سن هفت ساگی پدرش را از دست داد و از نعمت عظمای وجود پدر محروم گشت بدینجهت بود که دوران کودکی را در سختی و مشکلات سپری کرده و با شروع انقلاب اسلامی وی که بر این عقیده بود که ادامه حیات اسلام در نبرد و نابود ساختن کافران و طاغوتیان زمان است. بدینجهت با شور و شوق بیشتری به مبارزه پرداخت و مبارزه را بر علیه رژیم آغاز کرد و سدد افتخاری بر افتخارات زندگی آزاده اش افزود. و در پیروی از فقیه عالیقدر و بزرگ و پیشوای شیعیان حضرت امام خمینی به شرکت در مجالس سخنرانی و تظاهرات همت گماشت. و بعد از پیروزی انقلاب هم برای پاسداری از اسلام عزیز (جمهوری اسلامی) که با خون ۷۰ هزار شهید حسینی پا گرفته بود و بنا نهاده شده بود به عضویت نهاد مردمی و مکتبی و انقلابی بسیج در آمد. و با شروع نبرد حق بر علیه باطل به جبهه های باطل ستیز (صدام) خوزستان عزیمت نمود.

و همواره می گفت (خدایا نعمت عظمای شهادت را روزیم قرار ده) و خداوند نیز این موهبت الهی را نصیبش نمود و در تاریخ به فیض شهادت نائل آمد. و با خون سرخش زندگی سراسر حماسه و مبارزه خویش را در صفحات تاریخ محک زد. گوارا باد بر او شربت شهدگونه شهادت.

رواهی شاد و راهش پر رهرو باد

وصیت نامه

بسمه تعالی

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللہ امواتاً بل احیاء عند ربهم برزقون

در این موقعیت حساس که عاشورای حسینی بار دیگر در ایران زنده شد و نشان داد که حسین ها هنوز هستند و تا حکومت الله را در سرتاسر جهان برقرار ن سازند به پیکار علیه کفر ادامه میدهند ، آری میدانم قدم در راهی گذاشته که تیغه اش از قبل گرفته و با ایمان کامل پیکار می کنم چون اگر در این میدان کشته شوم به مقامی والا دست یافته و راه حسین (ع) را رفته ام و اگر زنده ماندم شاهد پیروزی مسلمین بر کفار است خواهم بود ، من با کمال میل به این جبهه مقدس که برای پیروزی اسلام است میروم و چون ما با خودمان تعلق نداریم یعنی خلق نشده ایم تاراحت طلب باشیم و یا در پی آسایش دنیوی باشیم نه این ارزشی ندارد ، ما خلق شده ایم تا آزمایش شویم و اساساً این جهان آزمایشی بیش نیست ، زندگی جاوید در آن جهان است. درخت انقلاب اسلامی برای سیراب شدن احتیاج به خون دارد امام همان هل من ناصر ینصرنی صدا میزند بر ملت مسلمان ایران واجب است که به این پیام امام لبیک بگویند و این درخت را با خون خود سیراب کنند یا مهدی یا زهرا یا فاطمه ، یا حسین ، یا علی ، یا عباس؛ یا علی ، یا حسین ، یا حسن ، یا فاطمه زهرا ، یا مهدی ، من هم آمده ام ، زهرا . انشاءالله تعالی همانطوری که آرزوی همه ماست این انقلاب به رهبری امام عزیز ، جهان به انقلاب حضرت بقیه الله الا اعظم امام مهدی (عج) پیوند خواهیم زد که انقلاب جهانی اسلامی باشد.

مادر عزیزم از اینکه حس میکردم در مکانی راحت قرار بگیرم و در سنگر بسیج امام زاده با برادران حزب الهی بودم در سنگر شبها غمگین بودم من نمیتوانستم بخود بقبولانم که برادران خودم در مرزها شهید شوند و من هر روز شاهد این باشم که فلاننفر کشته شده یا فلان نفر زخمی شده ، مادر عزیز داغدارم چگونه من میتوانستم مشاهده کنم که هر روز عده ای از بهترین جوانان و همسنگرانم شهید شوند و علی ماهینی ها حاجی محمدعلی ها ، ناصر میرسنجری ها ، علی ظهرابی ها ، احمد گرمی ها ، هادی آرامی ها ، عبدالله گلستانی ها ، مقاتلی ها ، امیر پولادی ها ، ابراهیم ماهینی ها ، ابراهیم ماندگار ها ، عبدالعلی میرسنجری ها ، محمدرضا بندر ریگی ها ، فدائیان اسلامی احمد واعظ زاده ها ، عباس نبی پور ها ، عبدالمحمد هاشمی ها ، سید محسن جعفری ها ، شمسی ها ، جلال محمدعلی باغملائی ها ، علی بختیاری ها ، ابراهیم افراسیابی ها ، عنایت نجیبی ها ، عبدالرحمن بنیادی ها ، باقر میگلی ها ، عباس کامکاریها ، اسماعیل کمان ها و من به کارهای روزمره مشغول باشم ، میدانم که از دست دادن من شاید سنگین باشد. ولی غم از دست دادن حسین (ع) بر فاطمه زهرا سنگین نبود مگر آنها نبودند که کشته شدند تا دین اسلام پا بر جا باشد. من هم به نوبه خودم از آقا و سرور خود ، حسین زمان ، خمینی درس مبارزه و جهاد و درس شهادت را یاد گرفتیم ، من آموختم که زندگی مادی نکبت بار است و نباید منتظر باشیم که مرگ ما را فرا گیرد ، بلکه ما باید به سراغ مرگ برویم. مگر انسان یکدفعه بیشتر میمیرد پس چه بهتر که آن یکدفعه هم در راه خدا باشد. این برادران بسیج و سپاه ، اسلام و ارتشی ، مردم مسلمان بوشهر و خواهران و برادران عزیزم پیوسته در راه اعتلای اسلام عزیز کوشا و تمامی فرامین امام خمینی را به جان پذیرا باشید و زمان زمان حسین است و ایام عاشورا ، ای خواهران عزیزم حجاب و عفت و پاکدامنی را سولوحوه زندگی خودتان قرار دهید و همیشه فاطمه وار و زینب گونه زندگی و مبارزه کنید ، مادر جان به برادر حزب الهی بگو راهی را که من انتخاب کرده ام راه حقیقت و درستی است و از شما خواستارم که امام امت ان

مجاهد کبیر و نستوه وعصاره حسین ابن علی ورهبر انقلاب خمینی بزرگ را یاری نمائید و او را تنها نگذارید ، دفن
بهشت صادق جنب حاجی رضا محمدی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

ابراهیم سالمی



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران